



مگ

سیل نوشت

به امید لبخند دوباره اش

محسن ذوالفقاری: فروردین ۹۸ با سیل پلدختر و آواز راهی آن دیار شدیم تا شاید با تولیدات رسانه‌ای بتوانیم شور و نشاط جهادگران و در عین حال خستگی‌ها و فعالیت‌های شبانه‌رویشان را نشان بدهیم و امید را به دل‌های مردم برگردانیم.

آن روزها خدا کمک کرد، سوزه‌های خوبی پیدا شد و تولیدات خوبی هم داشتیم. دست آخر هم شانسمان زده دیدار با حاج قاسم نصییمان شد که لبخند رضایتش قوت قلب بچه‌ها در پایان سفر بود...الحمدلله.



حالا و در دی‌ماه ۹۸ سیل دیگری اتفاق افتاد. این بار هم به عشق حاج قاسم و به امید لبخند رضایت مجددش از همان روز اول خبر، دوربین‌ها و تجهیزات را آماده و خودمان را برای رفتن مهیا کردیم ولی به علت مشکلات متعدد معطل ماندیم. امروز بالاخره با کمک و هماهنگی پایگاه اطلاع‌رسانی جهادگران مشکلات برطرف شد. وقتی عکس شهید قاسم سلیمانی را به ماشین زدیم و راه افتادیم به سمت سیستان و بلوچستان، داشتیم به این فکر می‌کردم که اول سال کجا تصورش را می‌کردیم عکس‌هایی که داریم با خوبی و خوشی از ایشان می‌گیریم، آخر سال، آن هم به این شکل به کارمان بیایند! داشتیم به این فکر می‌کردم که اگر متعقدیم شهیدان زنده‌اند، پس حتماً سردار سلیمانی، جایی در سیستان و بلوچستان منتظرمان است تا مثل سال پیش که با لبخند رضایتش کارهایمان را تأیید کرد، امسال هم دستمان را بگیرد.

این نکته را هم خوب است بگویم که ما کاری به کم کاری فلان خبرگزاری، ارگان و سازمانی نداشتیم و نداریم و تا جایی که بتوانیم، مثل اول سال، کمک کار و یار و یاور سیل‌زده‌ها هستیم. در سیل پلدختر و آواز با وجود کمی ارتباطات و مشکلاتی که داشتیم، نم‌هنگ‌ها و کلیپ‌هایمان را به صدا و سیما، اخبار و عکس‌هایمان را هم به خبرگزاری‌ها و فایل‌ها و متن‌هایمان را به گرافیست‌ها رساندیم. امیدواریم در این سفر هم بتوانیم تأثیرگذار باشیم.

پ ن: شاید دیر حرکت کرده باشیم ولی در عذاب وجدان مانع رفتنمان نشد... دعا کنید مؤثر باشیم.

شنبه ۲۸ دی ۱۳۹۸
۲۲۱ جمادی الاول ۱۴۴۱
سال من و سوم شماره ۲۰۲۰
۱۸ ژانویه ۲۰۲۰
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

ارزیابی شعرها و ترانه‌های سروده شده برای «حاج قاسم» در گفت‌وگو با میلاد عرفان‌پور، مدیر دفتر موسیقی حوزه هنری

خون شهید درخت شعر مقاومت را آبیاری کرد



حمله به شهاب حسینی در فضای مجازی از کجا آب می‌خورد؟

دردسرهای همرنگ جماعت نشدن

نمی‌نمایم... ای کاش نیت‌هایمان هم خالص باشد و بنا به صلاح شخصی خود ـ فی‌المثل ترس از برخورد تحقیرآمیز مخاطب با فیلمان به سبب و روال ادوار گذشته ـ پشت‌احساسات پاک مردم قایم نشویم. اوست یگانه حی و حاضر و ناظر. هم قصه ناموده داند، هم نامه نا نوشته‌خواند.

تقدیریم

همین کافی بود تا نه همکاران و هم‌تایان شهاب حسینی بلکه فقط برخی کاربران فضای مجازی به صفحه اینستاگرام او هجوم ببرند. محتوای پست‌ها و پاسخ‌هایی که از سوی این کاربران منتشر شد بر خلاف پست انتقادی و البته محترمانه و منطقی شهاب حسینی، بیشتر واکنش‌هایی از سر احساسات و هیجان و گاهی فحاشی بود. چوری که برخی از سایت‌ها و خبرگزاری‌ها که در آغاز کار تیر زده بودند: «مردم از سخنان شهاب حسینی شاک می‌شدند» مجبور شدند چند ساعت بعد مطلبشان را حذف کرده و صفحه مورد نظر را از دسترس خارج کنند! نه به اینکه شهاب حسینی در مطلبش از چه کسانی انتقاد کرده و چه جریان‌هایی را به پنهان شدن پشت احساسات و عواطف مردمی متهم کرده بود کاری داریم و نه به ماهیت و هویت دقیق آن‌ها که بلافاصله در فضای مجازی شروع به حیا و فحاشی کردند. فقط یک خبر مربوط به چند سال پیش را از یکی از سایت‌هایی که تیر زد: «مردم از سخنان شهاب حسینی شاک می‌شدند» و بعد هم مطلب را حذف کرد، نقل می‌کنیم: «بی بی سسی، من و تو، صدای آمریکا و همچنین شبکه‌های مبتذل سلطنت طلب، با اینکه ابتدا در واکنش به کسب جایزه بهترین بازیگر جشنواره کن از سوی شهاب حسینی ابراز خوشحالی کرده بودند، طی روزهای اخیر گزارش‌هایی توأم با عصبانیت و ناراحتی از علیه این بازیگر ایرانی پخش کردند... گفتنی است، شهاب حسینی در نشست خبری پس از بازگشت از جشنواره کن، گفت چون این موفقیت را همزمان با نیمه شعبان کسب کرده است، جایزه‌اش را به آستان مقدس امام زمان (عج) تقدیم می‌کند...».

بازیگر خطرناک!

کاش آن‌هایی که این چند روز، چه در اینستاگرام و چه جاهای دیگر علیه شهاب حسینی نوشتند، حداقل می‌توانستند مثل آن روزنامه‌نگار معروف سعودی، اگرچه کینه‌توزانه، اما کمی هم منطقی و دیرینه و به صحت‌ها، مواضع و هنرش بنویسند نه اینکه فقط از حضورش در جمع هنرمندان که به دیدار رهبر انقلاب رفته بودند، انتقاد کنند. «محمد السحیمی» روزنامه‌نگار اهل عربستان سعودی، چند سال پیش و پس از اینکه شهاب حسینی جایزه نخل طلای جشنواره کن را گرفت، نوشت: «با وجود برتری عربستان در سطح سیاسی، در سطح فرهنگی و رسانه‌ای همچنان در سطحی پایین قرار داریم... ایران اما جهان را با صنعت حرفه‌ای سینمایی خود درنوردیده است... آن‌ها همچنان برتری خود را در عرصه سینمایی با فیلم‌هایی مانند حضرت موسی(ع) و فیلم محمد رسول الله(ص) به نمایش گذاشتند و به‌تازگی نیز ستاره

مجید تربست‌زاده! تا امروز، خوب به ضرب‌المثل «همرنگ جماعت شدن» فکر کرده‌اید؟ انگار هم‌رنگ جماعت شدن از جمله کارهایی است که چه آن را انجام دهی و چه ندهی، یک جورهایی زیر سوآلی! یعنی بسته به شرایط روزگار و لایه بسته به اینکه باد سیاست یا توفان عواطف از کدام سمت بوزد، گاهی اگر هم‌رنگ جماعت شوی، با حمله گروهی از کاربران فضای مجازی روبه‌رو می‌شوی و گاهی اگر هم‌رنگ جماعتی نشوی، زیر تیغ انتقاد این و آن قرار می‌گیری! همکارانم اشاره می‌کنند که اگر منظورت از این حرف‌ها، ماجرای شهاب حسینی و اظهارات اخیرش درباره موج انصراف از جشنواره فیلم فجر است، عیب و اشکال از ضرب‌المثل مورد نظر نیست بلکه باید ایراد را در «جماعت»‌های خاص جست‌وجو کرد که بعضی وقت‌ها ایجاب می‌کند با آن‌ها هم‌رنگ شوی و گاهی هم نه. من اما فکر می‌کنم مشکل به «هم‌رنگ شدن» برمی‌گردد که گاهی جلو رسوایی آدم را می‌گیرد و گاهی بر عکس، سبب رسوایی آدم‌ها می‌شود.

کاش نیتمان خالص باشد

چه من و شما بپذیریم و چه خودش دوست داشته و یا نداشته باشد، به هر حال جماعت سینما رو و سینما دوست ایران، شهاب حسینی را سوپرستار سینمای ایران می‌دانند. با این دیدگاه دیگر نیاز چندانی هم نیست که حتماً در همین چند سطر اول او را معرفی کنیم. به جایش اجازه بدهید برای آن‌ها که این چند روز، فرصت نکرده‌اند در فضای مجازی بچرخند و گشتی بزنند، بگوئیم که چه اتفاقی افتاده است. پس از آغاز موج عجیب و غریب و همراه با جوگیریه برخی سلبریتی‌ها و... مبنی بر انصراف از حضور در جشنواره فیلم، ناتانر یا موسیقی فجر، خیلی‌ها توقع داشتند همه صاحب‌نامان این عرصه، وسط معرکه انصراف ببرند و گوشه‌ای از موج‌آفرینی را به عهده بگیرند و خلاصه هم‌رنگ جماعت متصرف شوند. شهاب حسینی اما با گذشت چند روز از آغاز ماجرای انصراف، در صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام، نه تنها جفت با نرید وسط معرکه انصراف افتاد، بلکه ضمن بیان نظرش درباره رخدادهای اخیر و همچنین ماهیت جشنواره فیلم فجر، با احترام به نظر انصراف‌دهندگان، نوشت: «... در احوالات موج و گل‌آلود، کم نیستند موج‌سواران و ماهیگیران آب گل‌آلود. با عشق و ارادت به تمامی خانواده‌های داغدار وقایع اخیر به‌خصوص عروجیان هوپیمای مسافرپرری، لازم به ذکر می‌دانم سقوط سهمگین دیگری تهدیدیمان می‌کند... اولاً این حرکت دامن‌زدن به افتراق جامعه‌شکن خودی و ناخودی است و این در حالی است که جامعه و مردم بیش از هر زمان دیگری به همبستگی و دلداری یکدیگر نیازمندند. این رفتار حتی در میان هنرمندان و طر‌فداران و مخاطبانش نیز شکاف عمیق و شاید جبران‌ناپذیری ایجاد کند که به یادآورهای برای تقدیم شدن آثار به از دست‌رفگان مشقات و مشکلاتی که در راه ساخته شدن دارد، است که دیده شود و در مناسبتی رسمی مورد ارزیابی قرار گیرد... دوم اینکه این جشنواره تماماً امکان بدل شدن به یادآورهای برای تقدیم شدن آثار به از دست‌رفگان مدت اخیر و زنده نگه داشتن یاد آن‌ها را داراست... لذا این بنده کوچک بدین‌وسلیله این حرکت را تأیید نمی‌کنم و آن را گامی در جهت همدردی تلقی

ایرانی «شهاب حسینی» جایزه بهترین بازیگر را در جشنواره ۲۰۱۶ کن بدست آورد. این در حالی است که ما در جهان تنها کشوری هستیم که در آن نمایش سینمایی وجود ندارد. به باور نویسنده این مقاله، توجه عربستان به مسائل سیاسی سبب شده است این کشور از مسائل فرهنگی عقب بماند و ایران جهان را در عرصه سینمایی درنوردد». دست آخر هم این روزنامه‌نگار لابد برای ترساندن سران سعودی از پیشرفت‌های سینمای ایران، حسابی قاطی کرده و نوشته بود: «شهاب حسینی از قاسم سلیمانی خطرناک‌تر است»!

یک لقمه معرفت

شاید خیلی از ما نخستین بار او را در برنامه «کسپین» دیده باشیم اما همه چیز برای «سید شهاب حسینی» از برنامه تلویزیونی «کسپین» و اجراهای خاص و متفاوتش شروع نمی‌شود. متولد ۱۳۵۲ تهران که اصلیتش برمی‌گردد به تنکابن و خانواده‌ای ۶ نفره، با این در و آن در زدن در زندگی کارش را آغاز می‌کند. البته این در و آن در زدن‌هایش لابد ارثی است و میراث پدر مرحومش که پس از گرفتن دیپلم رفته بود دانشکده خلبانی و به خاطر پرونده سیاسی برادرانش از دانشکده اخراج شده و سرانجام رضایت داده بود به جای خلبان شدن، دبیر زبان انگلیسی شود. پدری که به قبول امروزی‌ها اهل «بیزینس» هم بود، شعر می‌گفت، داستان و فیلم‌نامه می‌نوشت و کار ترجمه هم می‌کرد. خب، شما که از پسر ارشد و خلف و جانشین پدری توقع ندارید پس از گرفتن دیپلم برود سراغ رشته یا شغل ثابت و سر همان رشته و شغل بماند؟ شهاب بچه درسخوانی بود. البته علاقه‌مند به فوتبال و برای همین تا عضویت در تیم نوجوانان ملش هم پیش رفت. مدتی به سرش زد برود دنبال طلاسازی، جوری که حرص پدر را درآورد که چرا به آن همه درس دادن به بچه‌های مردم نمی‌تواند پسر خودش را آدم کند! در فهرست این در و آن در زدن‌های شهاب حسینی می‌توانید تحصیل نیمه تمام در دانشکده روان‌شناسی، گذراندن دوره آرایشگری، شوق سفر به کانادا، علاقه به موسیقی و مهم‌تر از همه شرکت در کلاس‌های بازیگری، مجریگری رادیو و ۱۰۰ جور فعالیت هنری و غیر هنری دیگر را ببینید. با این همه، ته «از این شاخه و آن شاخه پریدن» و تجربه‌های متفاوت شهاب، بازیگری و سینما بود. دلیل اصلی‌اش هم انگار برمی‌گشت به دستگاه آپارات کوچک که پدر در دوران نوجوانی شهاب خریده بود تا پسرش تا آخر عمر مجذوب و اسیر جادوی هنر هفتم شود... این‌ها را درباره گذشته‌اش گفتیم تا خیلی‌ها متوجه شوند چرا شهاب حسینی و شهاب حسینی‌ها، خیلی اهل جوگیر شدن و یکباره پریدن وسط معرکه انصراف نیستند. یک دلیلش شاید همین باشد که به کمک چشم و ابرو، سفارش این و آن، چهره فتونیک و... یکبار به دنیای بازیگری پرتاب نشده‌اند. آدم‌هایی مثل شهاب حسینی به قول خودشان علاوه بر اینکه دنبال عشق به سینما، شهرت و حتی پول بوده‌اند، یادشان نرفته که دنبال «یک لقمه معرفت» هم باشند.



ورزش

مطالبه جدی مردم برای مقابله با کارشکنی «بازی در کشور ثالث»

تحریم لیگ قهرمانان آسیا از سوی ایران

مهدی قائدی در گفت‌وگو با قدس از کارشکنی بازی در زمین بی طرف می‌گوید

ایران

امن ترین کشور منطقه است



از بیرو تا استوکس و آسیا

گل محمدی در پنجره انتخاب های سخت

مجاز آباد

تاریخ سازی



همزمان با برگزاری نماز جمعه تهران به امامت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی، کاربران فضای مجازی هشتک #نماز_جمعه_تاریخ_ساز را در توئیتر فارسی ترند کردند. در ادامه چند نمونه از توییت‌های منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید: «تمام رسانه‌های بزرگ دنیا فرمایشات رهبری را زنده ترجمه و پخش می‌کردند. شاهد بزرگ‌ترین قدرتمایی ایران در عرصه بین‌المللی هستیم... همه میگن اندک اندک جمع مستان می‌رسد اما یادتان باشد امروز جمعمان جمع نیست. چون دیگه حاج قاسم نیست. امروز جمع مستان بدون حاج قاسم رسیدند».

استقلالی‌ها در انتظار قائدی



از مهدی قائدی در اینستاگرامش نوشت: «جدول بهترین گلرزان و پاسورهای لیگ برتر شهادت می‌دهد که تو توج ستاره ارزمندی هستی. میلیون‌ها استقلالی منتظر درخشش تو در لیگ قهرمانان آسیا و لیگ برتر ایران هستند. برگرد که همه ما منتظرت هستیم».

با پول فرهنگیان باز نشست



۹۲ هیچ فیلمی نداشته. سال ۹۳ فیلم (استراحت مطلق) با بازی او در جشنواره پذیرفته نشد. بعد تا ۹۶ با پول فرهنگیان باز نشست



مسائل داخلی ایران دخالت کرده، باید گفت فعلاً استیضاح ترامپ را حل کنید. لازم نیست به مردم ایران دموکراسی باد دهید! به مردم دروغ نگویید! کدام رئیس‌جمهور شما با رأی مستقیم انتخاب شده؟ آمریکا قلب دوره الگور – بوش را فراموش نکرده؟»



دوراهی‌های یک شاعر در خلق شعر ماندگار

تمایل به ماندگاری شعر از دغدغه‌های دیرین و همیشگی شاعران بوده است. هر شاعری دوست دارد شعرش تنها در زمان خود که برای همیشه کاربرد داشته باشد. او به این وسیله در خودش نیز احساس جاودانگی می‌کند. از این روی است که بسیاری از شاعران ترجیح می‌دهند به وقایع و حوادث زمانه خویش نپردازند و از مفاهیم و احساسات ازلی و ابدی بشری همچون عشق، مرگ، ترس، تنهایی و... بگویند.

اما در عین حال شاعر به فردی از جامعه، در برابر وقایع زمانه خویش نیز احساس مسئولیت می‌کند. می‌بیند بسیاری از رخدادها هستند که قابل بیان کردن در شعرند، ولی ممکن است شعری که برای این رخدادها سروده می‌شود، برای انسان‌های دهه‌ها یا سده‌های بعد دیگر قابل استفاده یا حتی قابل فهم نباشد. او می‌بیند نمی‌تواند به وقایع مهم زمانه‌اش نپردازد، با این نگرانی که شعرش وابسته به این زمانه می‌شود. شاعر وجدان بیدار جامعه است. این نقش او چه می‌شود به راستی همان آیندگان که او به امید آن‌ها از این واقعه صرف‌نظر کرده است، او را به خاطر قصور او ملامت نمی‌کنند؟ آنچنان که ما گاهی شاعران عصر تهاجم مغول را به خاطر چشم بستن بر آن همه مصائب و مبارزات ملامت می‌کنیم.

اینجاست که شاعر خود را بر سر یک دوراهی می‌بیند. به راستی کدام راه را باید برگزید و آیا راه میان‌بای هم وجود دارد؟

این را نباید از نظر دور داشت مفاهیم ازلی و ابدی همان‌طور که در طول تاریخ مخاطبان خود را دارند، گویندگان خود را هم خواهند داشت. پس خیلی هم نباید نگران آن‌ها باشیم. بالاخره انسان امروز مفهوم عشق یا مرگ را هم در شعر رودکی و فرخی و هم در شعر حافظ و سعدی، هم در شعر صائب و بیدل و هم در شعر محمدعلی بهمنی و حسین منزوی می‌تواند بیابد. اما گاهی وقایع در زمانه شاعر رخ داده که در زمانه دیگری تکرار نشده و اگر شاعر از بیم مقطعی بودن آن واقعه آن را در شعرش ثبت نکند، چه بسا که از حافظه عمومی جامعه حذف شود. بسیار تهاجم‌ها در این سرزمین‌ها رخ داده، اما در این میان تهاجم غُرُها به خراسان بود که در قصیده ماندگار، «نامه اهل خراسان» انوری ثبت شد. این قصیده از این نظر یک ارزش تاریخی خاص دارد گذشت از اثر عاطفی و زیبایی‌های بلاغی آن.

اما راه میانه، به راستی نمی‌توان کاری کرد شعر در عین پرداختن به وقایع جاری و گذرای زمانه، ماندگار هم باشد؟ یعنی شاعر یک تیر دو نشان بزند؟ بله این چیزی است که البته به ندرت اتفاق می‌افتد ولی اگر اتفاق بیفتد، دورعلی‌نور خواهد شد. این قضیه بستگی تمام به قدرت شاعر و میزان مهارت او در بیان نمادین و تصویری کلام دارد. شاعر می‌تواند به وقایع زمان بپردازد، ولی بدون اشاره به نام و نشان و مشخصات آدم‌ها و جای‌ها حافظ استاد این کار است. شاید بسیاری از شعرهای اجتماعی او درباره اشخاص و وقایع خاصی در زمانه‌اش سروده باشد، ولی او با پرچیز از نام بردن افراد و در مقابل تکیه کردن به نمادهایی مثل رند، شیخ، محتسب و... به آن‌ها جاودانگی بخشیده است، به گونه‌ای که همیشه می‌شود آن شعرها را درباره طیف‌هایی از جامعه به کار برد. این غزل حافظ که «دانی که عود و چنگ چه تقریر می‌کنند» اشاره‌هایی نسبتاً روشن به زمانه خود او دارد، ولی بیان شاعر به گونه‌ای است که در عین حال برای همه زمانه‌ها قابل استفاده است. پس نخست از بیم مقطعی شدن شعر، از پرداختن به وقایع زمانه نپرهیزیم و بگوئیم با تدابیری، حتی شعرهای مقطعی را هم جاودانگی بخشیم.

تازه‌های نشر

آخرین اثر محمدرضا یوسفی به بازار کتاب آمد

انتشار رمانی برای نوجوانان بالای ۱۵ سال

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان: به‌تازگی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، رمانی برای نوجوانان بالای ۱۵ سال منتشر کرده و به بازار کتاب فرستاده است. این کتاب با عنوان «عکس یادگاری بگیریم» به قلم محمدرضا یوسفی، نویسنده نام‌آشنای کودک و نوجوان تألیف شده است. یکی از مادریارهای کانون اصلاح و تربیت کشته می‌شود و همه داستان‌های کانون مشکوک‌اند. پای پلیس به دست‌ان باز می‌شود و با جزویتی از کودکان شروع می‌شود. داستان از زاویه دید دختری به اسم لیل‌ا روایت می‌شود که خودش قیلاً در کانون بوده و حالا خبرنگار شده است. در طول داستان مخاطب با زندگی کودکان و مسائل و دغدغه‌های آنان آشنا می‌شود.

محمدرضا یوسفی در رمان «عکس یادگاری بگیریم» به موضوع کودکان کار و طلاق و به طور کلی کودکانی پرداخته است که در مراکز اصلاح و تربیت زندگی می‌کنند. او در این رمان کوشیده تا تصویری از وضعیت این کودکان در جامعه امروز نشان دهد.

یوسفی درباره این رمان گفته است: «داستان این کتاب قدری مستند و مبتنی بر حادته تلخی بود که برای یکی از مادریاران تهرانی پیش آمده و منجر به جان باختن وی شده بود» از این رو باید بگویم که داستان کتاب ملهم از آن حادثه است. این نخستین رمان من است که برای نوشتن آن دست به پژوهش زدم؛ چراکه می‌خواستم وجود استنادی آن قوی‌تر باشد. این کتاب را به آن مادریار مقتول تقدیم می‌کنم.»

«زنده‌باد مرگ نارنجی» خواندنی شد

نیستانان: رمان «زنده‌باد مرگ نارنجی» به قلم فاطمه احمدی و در قالب نخستین اثر داستانی بلند این نویسنده جوان وارد بازار کتاب شده است. فاطمه احمدی در این رمان داستانی معمایی درباره یک نویسنده قتل او و پیادهایی آن و در نهایت کشف راز این ماجرا را با‌خوانی کرده است. داستان‌هایی که دارای تم جنایی هستند در سال‌های اخیر در ایران با استقبال قابل‌توجهی روبرو بوده و این مسئله به ویژه در حوزه ترجمه قابل توجه است.

احمدی چند داستان را در دل هم در رمان خود پیش می‌برد و شخصیت‌هایی خلق می‌کند که در کنار روی، مخاطب مایل است به سرنوشت هر کدام از آن‌ها به شکلی دقیق پی ببرد و فرجامشان را کنترل کند. نویسنده فصول داستان خود را با عبارت‌هایی که پهلو به پهلو می‌زند به هم پیوند زده که هم مخاطب را با فضایی وهمی و معمایی همراه می‌سازد و هم در ایجاد فضایی خاص و ساختارشکن نیز بی‌تأثیر نبوه است.

روی همچنین به یک از فصول این اثر را مانند یک پرونده به یکدیگر متصل کرده و مشخصات آن پرونده را نیز در قالب نوشتاری خلاصه در ابتدای فصل بازگو کرده است.

ادب و هنر: جواد شیخ الاسلامی ا مردم ما

در هفته‌ها و ماه‌های اخیر با مسائل مهم و جدی روبرو بوده‌اند. شهادت حاج قاسم سلیمانی موجی از واکنش‌های مردمی و هنری را در پی داشت. در این شرایط، شعر همیشه از پیش‌تازترین هنرها بود و شاعران زیادی با سرودن شعر به این مسئله واکنش نشان دادند. با توجه به این اتفاق با میلاد عرفان‌پور، شاعری که در ایسن روزها همراه مردم شدد و با اشعارش به وقایع اخیر واکنش نشان داد به گفت‌وگو نشستیم. عرفان‌پور، مدیر دفتر موسیقی حوزه هنری است و از شاعران فعال و تأثیرگذار انقلاب اسلامی بوده است. با او درباره نقش و جایگاه شعر در اتفاقات و مسائل مهم اجتماعی- سیاسی و ارزیابی شعرهای سروده شده، صحبت کردایم که می‌خوانید:

♦ **کشور ما در شرایط حساسی است؛ شهادت سردار سلیمانی، سبیلی ایران به آمریکا در زدن پایگاه«عین الأسد» و سقوط هواپیمای اوکراینی، در این شرایط وظیفه شاعران چیست و شعر در مواجهه‌اش با مردم چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟**

در طول تاریخ ما هر کسی که می‌خواسته مفهومی، گفتمانی یا محتوایی را منتقل کند، از شعر استفاده کرده است. از این رو تأثیر شعر در فرهنگ

مردم ما بر کسی پوشیده نیست. این تأثیر بعد از انقلاب اسلامی، با احیای دوباره فرهنگ ما، با جهش روبرو شد و شاهد بودیم که شعر در شئونات و مسائل مختلف بسیار مؤثر بوده است. هنر‌هایی مثل شعر که از کلام بهره می‌برند و با عالم معنا ارتباط دارند هنر‌هایی هستند که جهان انسان را می‌سازند و وسعت می‌دهند. شعر اگر سالم، قوی و عمیق باشد می‌تواند مردم را به سمت و سوی درست متمایل کند. ما این تجربه را در شرایط مختلف اجتماعی سیاسی داشته‌ایم و در دوره انقلاب اسلامی بیشتر شاهد آن بودیم. البته پیش از انقلاب هم سابق اشکاری در این زمینه وجود دارد. مثل شعرایی که در مشروطه گفته شد و بر اوضاع سیاسی فرهنگی مشروطه بسیار تأثیر گذار بود.

وقتی از این جهت به شعر نگاه می‌کنیم، می‌بینیم واکنش‌های سیاسی اجتماعی هر نسبت به هنر‌های دیگر متفاوت است و این مسئله ریشه‌های مختلف تاریخی و دینی دارد که در سیره اهل بیت(ع)، تاریخ اسلام و مبانی قرآن مشخص است. چنانکه بارها در سیره معصومین(ع) می‌بینیم شعرائی در بزنگاه‌های خاص اجتماعی سیاسی مدافع حق بوده‌اند، مورد تجلیل و تکریم قرار می‌گیرند. این شاعران کسانی هستند که در مواقع خاص بازی را عوض کرده‌اند.

گزارش روز

همدردی اهالی جشنواره شعر فجر با مردم آسیب‌دیده سیستان و بلوچستان

کتابخانه‌های آسیب‌دیده را احیا می‌کنیم

خدیجه زمانیان: بعد از همدردی نهاده‌ها، قشرها و صنف‌های مختلف با مردم حادثه‌دیده سیستان و بلوچستان، جامعه شاعران هم وارد گود شد. در آستانه برگزاری اختتامیه چهاردهمین جشنواره شعر فجر، پوشش اهدای کتاب به کتابخانه‌های مناطق سیل‌زده استان سیستان و بلوچستان با اهدای کتاب‌های جشنواره شعر فجر راه‌اندازی شد.

چهارشنبه گذشته مهدی قزلی، مدیرعامل بنیاد شعر و ادبیات داستانی به خیرگزاری‌های اعلام کرد به دنبال وقوع سیل در استان

سیستان و بلوچستان، تصمیم گرفتیم کتاب‌های رسیده به چهاردهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر را پس از پایان دآوری، به کتابخانه‌های مناطق سیل‌زده اهدا کنیم. گویا با هماهنگی‌های

ارزیابی شعرها و ترانه‌های سروده شده برای «حاج قاسم» در گفت‌وگو با میلاد عرفان‌پور، مدیر دفتر موسیقی حوزه هنری

خون شهید درخت شعر مقاومت را آبیاری کرد



ساخت نماهنگ «قاسم هنوز زنده است» با شعر میلاد عرفان‌پور
قطعه «قاسم هنوز زنده است» با صدای «غلامرضا صغنگر» و آهنگ‌سازی «محمدرضا چراغعلی» با شعر «میلاد عرفان‌پور» توسط مرکز موسیقی و روابط عمومی حوزه هنری به مناسبت شهادت سردار سپهبد قاسم سلیمانی تولید شد. این اثر با مشارکت حوزه هنری

بود. به قول یکی از دوستان مهم‌ترین عملیات شهید سلیمانی همین عملیاتی بود که ایشان بعد از شهادتش فرماندهی کرد و آن همدل کردن قلوب تمام مردم بود. این اتفاق از همان ساعات اولیه انقدر بر قلب و روح شاعران تأثیر گذاشت که ما شاهد واکنش‌های سریع شاعران بودیم و شعرهای بسیاری تولید شدند. هرکسی سعی کرد بخشی از دینش به شهید سلیمانی را ادا کند. خود بنده به عنوان مسئول دفتر موسیقی حوزه هنری از همان ساعات اولیه شروع به کار شدم و به لطف خدا توانستیم چند اثر تولید کنیم و این تولید ادامه خواهد داشت. واکنش شاعران به اتفاق اخیر واقعاً عجیب بود. به‌خصوص شاعران جوان که صدها شعر گفتند و توانستند تا حدودی بزرگی و عظمت شهید سلیمانی را بازگو کنند. این از ویژگی‌های خاص شعر است که وقتی زبان از بیان اهت و بزرگی و رشادت سرداری مثل سردار سلیمانی قاصر است، بتواند آن بزرگی را در آیه‌ن‌اش بازنمایی کند.

♦ **عده‌ای معتقدند شعر واکنشی، تاریخ مصرف خواهد داشت و مخالف واکنش سریع نسبت به مسائل مهم جامعه هستند، چه تحلیلی در این مورد دارید؟**
یاد است که شعر «آز» مجلس شهدا را چیدند» هم در چنین بزنگاهی نوشته‌شد و وقتی حادثه

شعر مقاومت داشته است. آیا این تأثیر قابل مشاهده‌است؟

شهادت و خون سردار سلیمانی جان تازه‌ای به شعر پایداری و مقاومت داد. این شعر چندسالی دچار رکود شده بود و حالا خون حاج قاسم آن را آبیاری کرد. شهادت ایشان در حوزه‌های مختلف برکت داشت، هنرمندان مقاومت را زنده کرد و به آن‌ها برای حرکت‌های جدی‌تر انگیزه و امید داد.

♦ **با این توصیف به نظر تان شعر مقاومت در ایران تا چه حد توانسته بازگوکننده واقعیات جبهه مقاومت باشد. آیا این شعر در وضعیت مناسبی به سر می‌برد؟**

شعر مقاومت تا حدودی توانسته بیانگر مشکلات و مسائل ایران و جهان باشد اما آنچنان که باید و شاید از ظرفیت‌های اصلی‌اش استفاده نشده است. اگر شاعرانمان را بیش از این نسبت به تأثیرگذاری شعر مقاومت آگاه کرده بودیم، حتماً اتفاقات بهتری می‌افتاد. شما ببینید حتی شاعری مثل نزار قبابی که

شاعر زن خوانده می‌شود شعرهای متعددی در حوزه مقاومت دارد، محمود درویش هم چنین است. یعنی شاعران بزرگی داشته‌ایم که با شعر مقاومت جوایز بزرگی بدست آورده‌اند. پس توجه به شعر مقاومت درحال برای شاعر سودمند است و سکوی پرش او خواهد بود. متأسفانه بخشی از شاعران ایا دارند که به شعر مقاومت و شعر انقلاب بپردازند و این به خاطر تصور غلطی است که شکل گرفته است. در صورتی که شاعر به هیچ وجه نباید عقیم و بدون خاصیت باشد. در کل از نظر کمی جایگاه خوبی در شعر مقاومت داریم، یعنی شاید فراوانی شعر مقاومت ما حتی بیش از دیگر کشورها باشد، اما از نظر کیفیت هنوز جا برای پیشرفت داریم. البته شعرهای خیلی خوبی سروده شده است؛ شعرهایی که قابل ترجمه هستند، اما نیاز داریم که شاعران شاخص ورود بیشتری به این حوزه داشته باشند. باید الگوهای شعر مقاومت در کشور‌های جهان به شاعرانمان معرفی شوند تا این پیشرفت با سرعت و قوت بیشتری ادامه پیدا کند.

♦ **ارزیابی شما از شعرهایی که برای شهادت سردار سلیمانی سروده‌شده‌اند، چیست؟**
من شعرها را تا حدودی دیده‌ام. از حیث موضوعی تنوع خوبی داشت و بیشترشان به شخصیت، مظلومیت و تأثیرگذاری سردار سلیمانی پرداخته‌اند. البته بیشتر شعرها با قالب‌های غزل و رباعی بود. یعنی ما کمتر شاهد شعرهای سپید و نیمایی یا قالب‌های دیگر با محوریت شهید سلیمانی بودیم و نیاز است که در ایسن موضوعات تنوع قالبی بهتر و بیشتری داشته باشیم.



عکس: «عین‌الحسنه محمدزاد»

قزلی با بیان اینکه حضور در استان و اهدای آثار در آستانه اختتامیه چهاردهمین جشنواره شعر فجر

انجمن‌هایی که در ترویج کتاب‌خوانی فعالیت می‌کنند و همه مردم خواست این نهاد را در این

همدردی و خدمت‌رسانی یاری کنند تا با انجام این حرکت نمادین، توجه احاد جامعه را به کمبودها و

کاستی‌های این منطقه جلب کنند.

♦ **برای همدردی با هموطنان به سیستان می‌رویم**

دبیر اجرایی چهاردهمین جشنواره شعر فجر این کتاب‌ها را ارسال نمی‌کند، بلکه با هیئتی متشکل از

شاعران به همراه این کتاب‌ها به سیستان می‌روند تا

ضمن ابراز همدردی با مردم آسیب‌دیده این استان،

کتاب‌های شعر را هم به مردم رنج‌دیده و کتابخانه‌ها

اهدا کنند.

سیستان و بلوچستان و مناطق سیل‌زده‌اش توجه کند. ما هم به عنوان شاعر باید در این همدردی

شریک شویم. این مدیر فرهنگی با بیان اینکه به طور قطع در این مقطع نیازهای اولیه مردم حادثه‌دیده سیستان، کتاب و دفتر نیست در خصوص هدفی که از این حرکت فرهنگی داشته‌است، توضیح می‌دهد: رفتار

حرف‌قایی می‌طلبد، به عنوان هموطن در هر کسوت

و مقامی که هستیم به دغدغه‌های هموطنانمان واکنش نشان دهیم. او توضیح می‌دهد: با توجه به اینکه تعدادی از کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی استان سیستان و بلوچستان در این سیل آسیب دیده‌اند آن چیزی که به ذهنم رسید این بوده که آنچه در حوزه اجرا و توان در اختیار دارم و با جمع‌آوری و اهدای کتاب در ترمیم این وضعیت قدمی برداریم. این قدم شاید بزرگ و بلند نباشد اما نشان از همراهی و همدلی جامعه شاعر است.

به عمل آمده، دبیر علمی، اعضای هیئت علمی و داوران چهاردهمین جشنواره شعر فجر هم اعلام آمادگی کرده‌اند که با اهدای تعدادی از کتاب‌های خود در این پوشش انسان‌دوستانه شرکت کنند. به گفته دبیر اجرایی چهاردهمین جشنواره شعر فجر علاوه بر کتاب‌های جشنواره شعر فجر، کتاب‌های دوازدهمین دوره جایزه ادبی جلال‌آل احمد هم به کتابخانه‌های مناطق سیل‌زده‌ها می‌شود.

♦ **آیا نیاز کنونی مردم سیستان، کتاب است؟**

شاید هر کسی این گفته‌های قزلی را بخواند، بگوید نیاز اولیه مردم سیستان کتاب نیست، اما مدیرعامل بنیاد شعر و ادبیات داستانی که دبیر اجرایی چهاردهمین جشنواره شعر فجر هم است، معتقد است هر کس در هر صنف و حوزه‌ای فعالیت می‌کند و با هر قدمی که می‌تواند بردارد، باید به

هنرهای تجسمی

برگزیده مسابقه بین‌المللی «ترامپیسیم»:

هنر کاریکاتور رسانه هر کشور است

برای جلوگیری از فریب مردم به واسطه موج اخبار دروغ دولت‌ها علیه ایران باشد. این هنرمند جوان در خصوص نگاه طنزآمیز هنر کاریکاتور به وقایع روز، گفت: بیشتر مردم فکر می‌کنند چون کاریکاتو با نگاهی طنزانه به وقایع روز نگاه می‌کنند، پس نمی‌تواند واکنش‌های مؤثر و درستی نسبت به وقایع دردناک جامعه داشته باشد، در حالی که کاریکاتور طنز سیاه را به نمایش می‌گذارد و با این ابزار روی دیگر وقایع را نشان می‌دهد.

❖ کاریکاتور ایران در جهان رتبه بالایی دارد

فروغی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه برای این هنر چه آرمانی در ذهن داشته و چرا به این هنر علاقمند شده است، بیان کرد: به نظر ویژگی‌هایی که کاریکاتور دارد می‌تواند دغدغه‌ها و حرف‌هایم را به مردم منتقل کند و تاکنون تلاش کرده‌ام این اتفاق بیفتد و به این هدف ذهنی‌ام نزدیک شوم.

این هنرمند جوان جایگاه و رتبه کاریکاتوری ایران را نسبت به کشورهای دیگر، جایگاه قابل قبولی ارزیابی کرد. او تصریح کرد: کاریکاتوریست‌های زیادی در کشور ما فعالیت می‌کنند که حضور آن‌ها در جشنواره‌های مختلف سبب اعتبار هنرمندان این رشته هنری شده است. این هنرمندان تلاش می‌کنند در جشنواره‌های خارجی و بین‌المللی شرکت کنند و به این صورت هنر خود و ایران را به دنیا نشان دهند.

❖ نبود انجمن کاریکاتور در شهرستان‌ها؛ مشکل مهم کاریکاتوریست‌ها

فروغی که اهل لرستان است در خصوص فعالیت کاریکاتوریست‌های شهرستانی و وضعیت این هنرمندان گفت: در گذشته به دلیل متمرکز بودن تعداد زیادی نشریه و مجله در تهران، تعداد کاریکاتوریست‌های پایتخت زیاد بود، اما در سال‌های اخیر، فضای مجازی سبب تعامل و شناخته شدن بیشتر هنرمندان شهرستان‌ها شده، همچنین در بسیاری از شهرها همچون مشهد، اصفهان و تبریز دو یا چند کاریکاتوریست که در سطح ملی و بین‌المللی فعال هستند حضور دارند که این موضوع نشان‌دهنده ظرفیت بالا در این هنر است. او نبود خانه یا انجمن کاریکاتور در شهرستان‌ها را مشکل مهم کاریکاتوریست‌های ایران عنوان کرد و افزود: محور این هنر ایده است، بنابراین کاریکاتورها به مکانی نیاز



فروغی افزود: مردم در جامعه دغدغه‌های بسیاری دارند و کاریکاتوریست می‌تواند این دغدغه‌ها را در قالب تلفیق ایده، خلاقیت و هنر خود پوشش دهد. به اعتقاد این هنرمند، کاریکاتور به مثابه رسانه‌ای عمل می‌کند که با اتفاق‌های روز جامعه مرتبط است و تا به حال کاریکاتوریست‌ها واکنش‌های به‌روز و مناسبی به اتفاق‌های روز جامعه نشان داده‌اند.

♦ **نشان دادن تصویر دقیق ایران به دنیا**
به گفته فروغی واکنش کاریکاتوریست‌ها به اتفاق‌های روز جامعه سبب همدلی و اتحاد جامعه هنری در ایران و خارج از کشور می‌شود. او معتقد است، رسانه‌ای بودن هنر کاریکاتور توانسته تصویر دقیقی از ایران را در جهان به نمایش بگذارد و راهکار مناسبی